

دوفصلنامه علمی «پژوهش سیاست نظری»

شماره سی و سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۲: ۱۷۳-۲۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸

نوع مقاله: پژوهشی

سیر مفهومی تحدید قدرت در اندیشه سیاسی عصر قاجار (فرایند گذار از سلطنت استبدادی به سلطنت مشروطه)^۱

* ابوالقاسم شهریاری

** سید حسین اطهری

*** محسن خلیلی

**** مهدی نجف‌زاده

چکیده

بررسی تاریخ اندیشه سیاسی تحدید قدرت در عصر قاجار که به سلطنت مشروطه منتهی گردید، هدف پژوهش حاضر بوده و این سؤال مطرح شده که مفهوم سلطنت مشروطه به عنوان جلوه نهایی تحدید قدرت در عصر قاجار، چه فرایندی را طی نموده است. برنامه پژوهشی اسکینر به عنوان مبانی پژوهش انتخاب شده که معتقد به سیر تاریخی اندیشه بوده، آن را از طریق میثاق‌های زبانی قابل شناسایی می‌داند. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که سلطنت مشروطه، نتیجه توسعه سه میثاق زبانی در تحدید قدرت است: تحدید قدرت ابتدا در سلطنت فتحعلی‌شاه با عنوان پادشاه مسلوب‌الاختیار به ساحت اندیشه سیاسی ایران وارد شده و پس از آن در

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری به راهنمایی جناب آقای سید حسین اطهری می‌باشد که در دانشگاه فردوسی مشهد نگارش شده است.

ab.shahriari@mail.um.ac.ir

athari@um.ac.ir

khalilim@um.ac.ir

m.najfzadeh@um.ac.ir

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد

** نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

*** استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

**** دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران



عصر ناصری با دو میثاق سلطنت مطلقه منظمه و سلطنت معتدله توسعه یافته است. سیر نهایی اندیشه تحدید قدرت در عصر مظفری بوده که استمرار سلطنت استبدادی به شرایط بسیار نامساعد ایران منجر گردیده و راه گذار از آن با عنوان سلطنت مشروطه مورد توجه قرار گرفته است. در نظر اسکینر، تمامی فرایندهای طی شده برای تحدید قدرت در عصر قاجار، اقدامات اصلاحی به منظور مشروعیت‌زایی برای نظام سیاسی محسوب می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تحدید قدرت، قاجاریه، سلطنت مشروطه، سلطنت استبدادی و اسکینر.



مقدمه

سلطنت مشروطه که آغاز فرایند قانون‌گذاری از طریق مجلس و تحدید قدرت سلطنت در ایران است، به عنوان یک ایده به طور دفعی و ناگهانی حادث نشده است؛ زیرا نگاهی گذرا به طول دوران قاجاریه نشان می‌دهد که موضوع تحدید قدرت در سراسر سلطنت قاجاریه با عناوینی مختلف مورد توجه بوده است. اندیشه تحدید قدرت در واقع پاسخ اندیشمندان ایرانی به شرایطی بود که سرزمین آنها در اثر فقدان آن به معضلات متعددی دچار شده و خسارت‌های فراوانی را متحمل گردیده بود. اندیشمندان، سلطنت استبدادی را مهم‌ترین معضل ایران شناسایی نموده، برای تغییر شرایط نامساعد موجود، معتقد به ایجاد تغییر در نحوه حکمرانی شده بودند.

در انتهای عصر سلطنت مظفرالدین‌شاه، ایران از هر سو تحت تأثیر عواملی قرار گرفته بود که در سال‌های پیشین وقوع یافته و زیست ایرانیان را متأثر ساخته بود. در حوزه مالیه، نتیجه واگذاری امتیازات و استقراض‌ها به از دست رفتن بخش عمده‌ای از تجارت و سرمایه منتهی شده و خزانه بیش از هر زمان تهی گردیده بود (اعظام‌الوزاره، ۱۳۴۹: ۵۲؛ رشده، ۱۳۶۲: ۵۶؛ حلاج، ۱۳۴۰: ۱۱؛ بهرامی، ۱۳۶۳: ۶۳؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۵۵۱)؛ قشون به‌مانند سنوات قبل فاقد کارآیی بوده، توانایی مقابله با ناامنی‌های متعدد و متداوم را نداشت (فوکوشیما، ۱۳۹۲: ۶۶؛ بیت، ۱۳۶۵: ۲۱۲؛ کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۲۶؛ دوران، ۱۳۴۶: ۴۰؛ یه‌ناگا، ۱۳۹۲: ۴۰؛ لندر، ۱۳۸۸: ۲۰۴؛ هاردینگ، ۱۳۶۳: ۱۸؛ جکسن، ۱۳۵۲: ۹۸؛ راتیسلاو، ۱۳۸۶: ۲۷۳)؛ عقب‌ماندگی در علوم و صنایع به‌ویژه در پزشکی به همه‌گیرهایی دائمی منجر می‌شده و حکومت فاقد اقدام مؤثر در برابر آن بود (مالکوم، ۱۳۹۳: ۲۰۵؛ دوران، ۱۳۴۶: ۱۲۳؛ فلور، ۱۳۸۶: ۲۰؛ فریدالملک، ۱۳۵۴: ۲۳۰) و در نهایت نحوه دادرسی و رسیدگی قضایی که دچار بحران‌های پیشین همچو دوگانه شرع - عرف و فقدان قوانین یکسان برای دادخواهی بود (لومنیسکی، ۱۳۹۲: ۶۸؛ هاردینگ، ۱۳۶۳: ۴۶؛ جکسن، ۱۳۵۲: ۴۷۶).

تمامی این موضوعات موجب توجه به ساحت حکمرانی به عنوان مسبب چنین شرایطی شده بود. درمان چنین شرایطی نیز معطوف به شیوه حکمرانی بود و سلطنت مشروطه به عنوان جایگزین سلطنت مطلقه نضج گرفته، در نیمه دوم سال ۱۲۸۵ تأسیس گردید. اما همان‌طور که اشاره شد، آنچه در عصر مظفری بر ایران عارض شده بود، نتیجه استمرار شیوه‌های حکمرانی پیشین بود که به تحدید قدرت در سیمای

مشروطه منتهی شد. از همین رهگذر، این موضوع مطرح می‌گردد که با توجه به استمرار سلطنت استبدادی قاجاریه از ۱۱۷۵ تا ۱۲۸۵، چه فرایند و مفاهیمی برای تحدید قدرت وجود داشته که جلوه‌نهایی آنها، سلطنت مشروطه شده است؟ برای بررسی دورانی بیش از یک‌صد سال که مجهز به توانایی بررسی تاریخ اندیشه سیاسی نیز باشد، برنامه پژوهشی «کونتین اسکینر» به عنوان مبنای نظری و روشی پژوهش انتخاب شده است.

مبنای پژوهش

پژوهش حاضر در گروه پژوهش‌های کیفی قرار دارد. پژوهش‌های کیفی مبتنی بر تحلیل متن هستند و شامل دیدگاه‌های بسیار گسترده و تنوع تکنیکی در روش‌اند. در عین حال با توجه به پرسش پژوهش، توجه به مقطع زمانی نیز مورد نیاز است. از این‌رو نیاز به چشم‌اندازی وجود دارد که توانایی بررسی برش زمانی طولی^۱ را (فهم اندیشه در دوره زمانی خاص و مشخص و در نسبت با شبکه باورها و عقایدی که بدان تعلق دارند) (کچونیان و صفار هرندی، ۱۳۹۶: ۸۸) برای پاسخ به پرسش داشته باشد. بدین منظور، برنامه پژوهشی اسکینر به عنوان چشم‌انداز اصلی پژوهش، انتخاب شده که فرایندی اکتشافی و مبتنی بر توسعه مفاهیم است. به بیان دیگر، برنامه پژوهشی اسکینر ضمن داشتن مبنای نظری برای بررسی تحول مفاهیم، دارای روش تحقیقی برای انجام آن نیز می‌باشد.

اسکینر در مبنای نظری برنامه پژوهشی خود معتقد بدین موضوع است که هر ایده دارای سیری تاریخی بود که بر اساس شرایط موجود در اجتماعی که متفکران در آن زیست دارند، توسعه یافته، در قالب مفاهیم جدید تبلور می‌یابد (اسکینر، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۴). اسکینر برای بررسی این ایده نظری، روشی را برای بررسی متون پیشنهاد نموده است. وی برای بررسی توسعه مفاهیمی که در یک دوره زمانی درباره یک موضوع به وجود آمده، مفهوم میثاق‌گرایی را ابداع نموده است. او معتقد است که در هر دوره تاریخی، کنش‌های متفکران دارای مبنای مشترکی است که وی نام میثاق^۲ بر آنها نهاده، زیرا وی اعتقاد دارد که یک اندیشه سیاسی، سه دوره را طی می‌نماید: شکل‌گیری، تکوین و تأثیرگذاری و برای پیگیری فرایندی که درباره آن واقع می‌شود، باید به تلاش‌های متفکران در ایجاد مفاهیم جدید و یا

1. Diachronic
2. Convection

توسعه مفاهیم پیشین توجه نمود (اسکینر، ۱۳۹۷: ۱۳).

میثاق‌گرایی یا هنجارهای رایج (که در ترجمه فارسی به هنجار مرسوم، میثاق‌های زبانی، واژگان هنجارین و هنجارهای مرسوم نیز برگردانیده شده)، اشاره به واژگان، اصول، مفروضات و معیارهای مشترک برای آزمون مدعیات دانش، مسائل، تمایزات مفهومی و امثال آن دارد (بهروزی‌لک، ۱۳۸۳: ۲۱). در تعریف دیگر نیز بیان شده است که: آنچه به‌مثابه نقاط مشترک زبان‌شناختی، شماری از متون در یک دوره را به یکدیگر پیوند می‌زند (میراحمدی و مرادی طادی، ۱۳۹۵: ۱۹۷؛ خورشیدی و حقیقت، ۱۳۹۷: ۴۱). بر این اساس میثاق‌گرایی مورد نظر اسکینر، منازعات متشکل از کنش‌های کلامی مرتبط با مسائل مشابه در هر دور را مبنای تمرکز قرار می‌دهد (عبدالله‌پور چناری، ۱۳۹۱: ۵۷) تا از این طریق روندهایی طی شده برای یک مفهوم را بررسی نماید.

اسکینر خود بیان می‌کند که «جهت تبیین، نخستین وظیفه، پی بردن به این نکته است که مردمی که در پی تبیین باورهای آنان هستیم، به چه چیزی معتقدند؛ اما یگانه مدارک و شواهد در مورد باورهای آن مردم طبعاً درون هر یک از متن‌ها، گفته‌ها و اظهارنظرهایی نهفته‌اند که شاید این مردم برحسب اتفاق از خود بر جای نهاده باشند. البته این احتمال هم وجود دارد که مردم مورد بحث، عقاید خود را به نحوی نظام‌مند و مثلاً در قالب کنایه پنهان کرده باشند. اما چاره‌ای نداریم جز آنکه فرض کنیم که می‌توانیم متون به‌جامانده از آنها را به طور کلی همچون جلوه‌های نسبتاً روشن و صریح باورهایشان مورد بررسی قرار دهیم. اگر نتوانیم چنین میثاق‌صدیقی^۱ را مسلم بینگاریم، نمی‌توانیم امیدوار باشیم که در برنامه تبیین آنچه مردم بدان باور دارند پیشرفتی حاصل کنیم» (اسکینر، ۱۳۹۳: ۸۲).

برای اسکینر، میثاق‌های زبانی دارای اهمیت بسیار هستند، چراکه بازیابی متن یعنی بازیابی زمینه‌های فکری و زبانی‌ای که در آن مؤلفان در هنگام نوشتن آثارشان، مشغول انجام دادن کاری بودند. بنابراین برای اسکینر چنین امری، یک فرآیند همدلانه و رازآمیز نیست؛ چیزی که پیش‌فرض هرمنوتیک است. در مقابل، او درصدد حمایت از دیدگاه خاص درباره فهم و تفسیر متون در تاریخ اندیشه سیاسی است. دیدگاهی که بر این شالوده است که اگر مورخی بخواهد تاریخ ایده‌ها و اندیشه‌ها را به شیوه مناسب

بنویسد، باید آن را به تاریخی واقعی نزدیک سازد؛ تاریخی که در آن ایده‌ها و اندیشه‌ها واقع شده‌اند، نه تاریخی که بر ساخته است و گذشته خود ایده‌ها در آن هیچ نقشی ندارد (اسکینر، ۱۳۹۳: ۲۰۲). به بیان دیگر، اسکینر معتقد است که خود حیات سیاسی، عرضه‌کننده مسائل اصلی است (همان، ۱۳۹۷: ۱۴) و آنچه در متون بیان می‌گردد، تلاش نویسندگان برای پاسخ به موضوعات موجود در اجتماعی است که نویسنده در آن زیست دارد. ایده دیگر اسکینر در خوانش متون، تقسیم‌بندی قصد نگارش آنها به دو حوزه است: مشروعیت‌زایی^(۱) و مشروعیت‌زدایی^(۲) از نظام سیاسی. به بیان دیگر، اسکینر معتقد است که هر متن، تلاشی است برای ایجاد یا سلب مشروعیت از نظام سیاسی که بایست در خوانش متون به این امر توجه نمود.

پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی صورت گرفته در پایگاه‌های پژوهش‌های پارسی، تحدید قدرت به عنوان یک فرایند تاریخی در طول دوره قاجاریه بررسی نشده است. در عین حال دو گروه از تحقیقات را می‌توان درباره تحدید قدرت شناسایی نمود.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

موضوع	نویسنده
مشروطه	شریف‌شاهی، ۱۳۹۹؛ صالحی و دیگران، ۱۳۹۹؛ قدیمی و کاظمی، ۱۳۹۸؛ آتشگران، ۱۳۹۷؛ قربان‌زاده سوار و امیدپور، ۱۳۹۷؛ نوری و کیل‌آبادی، ۱۳۹۶؛ حقدار، ۱۳۹۵؛ کلانتری و دیگران، ۱۳۹۴؛
پیشامشروطه	فرجی و نصیری حامد، ۱۴۰۰؛ اکبری یاسوج و گرجی ازندریانی، ۱۳۹۷؛ سالور، ۱۳۹۳؛ راسخ و بخشی‌زاده، ۱۳۹۲؛

تمایز پژوهش حاضر با پیشینه موجود در این امر است که اندیشه تحدید قدرت از زمان شکل‌گیری (دوران پیشامشروطه) تا زمان اثرگذاری و پیدایش سلطنت مشروطه را بررسی نموده تا تاریخ مفهومی ایده تحدید قدرت و مفاهیم موجود در این فرایند را شناسایی و تشریح نماید. همچنین استفاده از برنامه پژوهشی اسکینر برای پرهیز از بی‌معنایی تاریخی، وجه تمایز دیگر پژوهش حاضر است. بی‌معنایی تاریخی، بدین معنی است که با مفاهیم و مقوله‌های از پیش ساخته به بررسی متون پرداخته شود (مجاهدی، ۱۴۰۰: ۵۵). اسکینر این امر را مخالف بررسی تاریخ اندیشه دانسته، معتقد است که از طریق

خوانش متون باید آنچه را برای مؤلفان بحث‌برانگیز جلوه نموده، از متن استخراج نمود. بنابراین داشتن نظریه مبنایی برای بررسی متون موجب تاریخ‌پریشی شده که برای پرهیز از آن بایست به متون اصلی مراجعه نمود و از هم‌خوانی آنها با شرایطی که در آن نگارش شده‌اند، به میثاق‌های زبانی آنها برای بیان موضوعات اصلی پی برد (اسکینر، ۱۳۹۷: ۱۴).

یافته‌های پژوهش

تحدید قدرت به عنوان راه‌حلی برای اتمام وضعیت نابسامان موجود در عرصه حکمرانی ایران، از اوان سلطنت فتحعلی‌شاه مورد نظر متفکران ایران قرار گرفته و تا زمان به ثمر نشستن در نهضت مشروطه، سیری بالغ بر یک‌صد سال را طی نموده است. بر اساس برنامه پژوهشی اسکینر، ایده تحدید قدرت در ایران نیز دارای سه مرحله بوده است که در هر مرحله نیز بر اساس شرایط موجود، میثاق‌هایی برای اشاره به فرایند تحدید قدرت و مختصات آن ابداع شده و یا مورد توجه و تشریح قرار گرفته که هر یک از آنها ضمن توسعه مفهوم ایده تحدید قدرت، توضیحاتی درباره شیوه تحدید قدرت مناسب در ایران و مختصات فرایندی که باید به انجام رسد، ارائه داده‌اند. بر اساس بخش روشی برنامه پژوهشی اسکینر نیز میثاق‌هایی در فرایند تحدید قدرت در عصر قاجاریه به کار گرفته شده است.

الف) تشکیل ایده تحدید قدرت: میثاق پادشاه مسلوب‌الاختیار

آغاز حکومت قاجاریه در سال ۱۱۷۵ش و سپس آغاز سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار در سال ۱۱۷۶، نوید پایان حدود یک قرن آشوب و ناامنی برای ایرانیان بود. حکومت بر ایران که از سقوط صفویه در سال ۱۱۰۱، مسیری پرتلاطم از جابه‌جایی قدرت را سپری نموده بود (صفویه، افغان‌ها، افشاریه، زندیه و در نهایت قاجاریه)، آثار شومی را برای ایران به همراه داشت: کاهش شدید جمعیت به طوری که جمعیت ایران به سال ۱۰۸۹ش بالغ بر ۹ میلیون نفر اعلام شده (کجیاف و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۱) و در سال ۱۱۷۹ این تخمین به ۵ میلیون نفر کاهش یافته است (فلور، ۱۳۸۶: ۵؛ آوری، ۱۳۷۳: ۱۵۹؛ کرزن، ۱۳۸۰: ج ۲: ۵۸۶). کشتارهای ناشی از آشوب‌های متوالی و مهاجرت، دو عامل اساسی در کاهش جمعیت ایران بود. هندوستان و عتبات عالیات که در سرزمین‌های عثمانی واقع شده بود، دو مرکز مهم پذیرش مهاجران ایرانی بود.

به موازات کاهش جمعیت و از میان رفتن مبانی زیست ایرانیان، تحولات شگرفی نیز در حوزه علوم و شیوه حکمرانی در جهان حادث شده بود که در اثر فقدان حکومت یکپارچه، ایرانیان به طور کلی از آنها برکنار مانده بودند.

استقرار قاجاریه و ثبات نسبی حاصل از آن، که پیامد تلاش‌های فتحعلی‌شاه در سرکوب اغتشاشات داخلی بود، مجال بروز اندیشه سیاسی را مجدداً در ایران فراهم نمود. متفکران ایرانی که در اثر فقدان امنیت به هندوستان مهاجرت نموده و به مشاهده تغییرات ایجادشده پرداخته بودند، در آرزوی استمرار حکومت که در نظر آنان مبنای اصلی برای بهبود شرایط و پیشرفت ایران بود، اندیشه سیاسی نوین در ایران را پایه‌گذاری نمودند. شکل‌گیری این اندیشه در سال‌های قبل از شروع جنگ با روسیه آغاز شد و متفکران ایرانی به ساحت سیاسی و حکمرانی ایران که در نظر آنان عامل عقب‌ماندگی بود، متوجه گردیدند.

اولین میثاق زبانی برای فرایند تحدید قدرت در ایران، مفهوم پادشاه مسلوب‌الاختیار بود که در اثر عبداللطیف شوشتری با نام «تحفه العالم و ذیل‌التحفه» به سال ۱۱۸۰ (سال چهارم سلطنت فتحعلی‌شاه و دو سال قبل از شروع جنگ اول با روسیه) به فضای فکری سیاسی ایران وارد شد و سپس در دو اثر پس از آن مورد تأکید و توسعه مفهومی قرار گرفت: «مسیر طالبی» یا «سفرنامه میرزا ابوطالب‌خان اصفهانی» به سال ۱۱۸۲ و «مرآت احوال جهان‌نما» اثر احمدآقا کرمانشاهی به سال ۱۱۸۹. در میان این سه اثر، «تحفه العالم» و «مرآت احوال جهان‌نما»، نتیجه مشاهدات مؤلفان در هندوستان و «مسیر طالبی»، نتیجه مسافرت اصفهانی به انگلستان است.

پادشاه مسلوب‌الاختیار، ایده‌ای بود که در نظر متفکران نسل اول ایران، دلیل انتظام و استحکام سلطنت در سایر ممالک معرفی شده بود (شوشتری، ۱۳۶۳: ۳۳۹)، ولی فقدان آن در ایران به ناامنی و سختی معیشت منتهی شده بود (اصفهانی، ۱۳۶۳: ۵؛ کرمانشاهی، ۱۳۷۰: ۶۹۶). این مفهوم مستقیماً به شیوه حکمرانی ایران مربوط می‌شد که در نظر این سه مؤلف به تغییرات صورت‌گرفته در جهان بی‌توجه بوده، با استمرار شیوه‌های پیشین که مبتنی بر زور و رعب و قهر و غلبه بود، ایران را دچار مخاطرات خواهد نمود (کرمانشاهی، ۱۳۷۰: ۶۸۹؛ اصفهانی، ۱۳۶۳: ۵). به همین دلیل نیز ویژگی‌های نظام سیاسی مسلوب‌الاختیار مورد توجه قرار گرفت و با هدف مشروعیت‌زایی برای سلطنت قاجاریه،

این اندیشمندان به ارائه توصیه‌های خود اقدام نمودند و امید داشتند تا موضوعاتی که آنان روایت نموده‌اند، مورد توجه حکام ایران قرار گیرد:

«... مگر یکی از سلاطین هوشمند و آیندگان باخرد پیوند، به دقت و سزا نگرند و گرده انتظام و استحکام سلطنت و امور معیشت و تدبیر مدن را بردارند و در فراگرفتن عادات نیکو و اخذ حالات پسندیده، گوش شنوا و انصاف، روزی سلاطین دین‌پرور و اعظم ذوالقدر باد» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۳۹۹).

«... به فحوای لکل جدید لذه موجب ذوق سامعین و سبب حرکت طالبین گردد، و اثر نیک آن در آن جماعت ظاهر و هویداست، مطلع شده تتبع نمایند و فواید آن به روزگار خود بردارند» (اصفهانی، ۱۳۶۳: ۵).

«... امید که صاحبان هوش و نظر به دیده اعتبار در آن نگرند، و بازی و افسانه طراریش نگمارند، و به مضمون: خذ ما صفا، ودع ما کدر^(۳) آنچه را که در سیاست مدن مستحسن دانند، انتخاب و از قبایح اجتناب فرمایند» (کرمانشاهی، ۱۳۷۰: ۶۵۷).

بر اساس آنچه اسکینر آن را ارائه مسائل اصلی به کمک حیات سیاسی نام نهاده (اسکینر، ۱۳۹۷: ۱۴)، ویژگی‌هایی از نظام سیاسی پادشاه مسلوب‌الاختیار از سوی این سه متفکر مورد توجه قرار گرفته که تماماً در برابر وضعیت‌هایی از ایران است که در نظر آنان از وضعیت مطلوبی نیز برخوردار نبوده و فقدان انتظام و دوام برای حکومت و سختی معیشت برای ایرانیان را ایجاد نموده یا تقویت می‌نمود. به بیان دیگر، سلطنت قاهره موجود در ایران استمراربخش شرایطی بوده که اولین آسیب آن متوجه خود حکومت قاجاریه شده و خطر عدم استمرار آن را ایجاد نموده بود. شوشتری به عنوان مبدع مفهوم پادشاه مسلوب‌الاختیار، معتقد است که آنچه درباره حکومت‌داری در فرنگ حادث شده، تحسین برانگیز است:

«ریاست و قوانین سلطنت را به جایی رسانیده‌اند که یونانیان و حکمای

اسلامی به تحسین و آفرین آنان هم‌دستانند» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۷۵).

وی با اشاره به نحوه حکومت‌داری و کشاکشی که در به قدرت رسیدن وجود داشته است، انتظام حکومت را برابر با پادشاه مسلوب‌الاختیار می‌داند:

«حکما به فکر انتظام سلطنت افتادند، چه تا آن زمان، حکمرانی بالاستقلال و بالانفراد بود. هر روزه یکی معزول و دیگری به غلبه مسلط می‌شد و بسی مفسد و خون‌ریزی که از لوازم تغییر سلطنت است، به ظهور می‌رسید ... آخر الامر همه را رأی بدین قرار گرفت که پادشاه را مسلوب‌الاختیار کنند» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۷۶).

کرمانشاهی نیز اشاره نموده است که: «از دو صد سال پیش این چنین مقرر نمودند که معنی پادشاهی و لوازمات آن موقوف بر یک شخص نباشد، چه از فوت و فنای آن، مفسد عظیمه - که از لوازم تغییر و تبدیل پادشاه است - بر مملکت و اهالی آن رویداد خواهد شد» (کرمانشاهی، ۱۳۷۰: ۷۷۲). اصفهانی نیز تأیید نموده که «اگر او (پادشاه) در امور مرجوعه مشورت نکند، موهوم بلوای عام، و عاجز آمدن او آخر کار است» (اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۳۹).

جدول ۲- ویژگی‌های حکمرانی پادشاه مسلوب‌الاختیار در برابر سلطنت مطلقه

سلطنت مطلقه	پادشاه مسلوب‌الاختیار
قدرت مطلق پادشاه	واگذاری اختیارات پادشاه در تصمیم‌گیری و اجرای دستورات
پادشاه خزانهدار و اختیار مطلق وی در نحوه تخصیص	مشخص نمودن نحوه مالیات‌گیری و گمرک و... و تجمیع آن در خزانه‌ای که در اختیار پادشاه نیست و برای او و خاندان سلطنت صرفاً مقرری سالانه تعیین شده است.
واگذاری ایالات به شاهزادگان و قدرت آنان در حکمرانی	جلوگیری از حضور خاندان پادشاه در سیاست و منع انتصاب آنان به امور کشورداری
تکثیر و تعدد منابع نظامی/ مستقل بودن ایلات به عنوان یک نیروی نظامی	ادغام تمامی نیروهای نظامی در لشکر سلطنتی و منع سربازگیری و لشکرسازی برای سایرین
تداخل محاکم شرع و عرف/ نفوذ قدرت سیاسی در دادرسی	قضات مستقل و دادرسی مبتنی بر قانون و یکسان برای همه
ایستایی علوم و عقب‌ماندگی صنایع	ترویج علوم و صنایع جدید به‌ویژه آنچه مرتبط با قشون است.

(منبع: یافته‌های پژوهش)

ویژگی‌های مورد اشاره در سلطنت انگلستان که متفکران ایرانی آن را با مفهوم پادشاه مسلوب‌الاختیار شناسایی نموده بودند، در واقع بیانگر توجه آنان به شیوه حکمرانی بود که در آن مُلک بر انتظام است، صنایع بر چرخش و تولید است و علم در

حال گسترش و امنیت عامل و معلول این شرایط است. بنابراین شکل‌گیری ایده تحدید قدرت ذیل مفهوم پادشاه مسلوب‌الاختیار، تحت تأثیر مشاهده از کارآمدی نوعی حکومت بوده که متفکران نسل اول ایران نیز آن را به جهت اصلاح امور توصیه نمودند. بنابراین اجتماع سیاسی ایران تحت تأثیر این تألیفات، صاحب مفهومی تازه گردید و برای اولین بار مفهوم تحدید قدرت در ادبیات سیاسی ایران مطرح شد. شوشتری را باید مبدع این مفهوم دانست؛ مفهومی که بر این امر دلالت دارد که گذار از شیوه حکومت مطلق فرمانروا آغاز شده و حکمرانی دارای شیوه‌های دیگری است که برتری سایر ممالک تحت تأثیر آن ایجاد شده است. آنچه اندیشمندان ایرانی در آغاز مطرح نمودن ایده تحدید قدرت به آن اشاره نموده‌اند، نظام سیاسی موجود در انگلستان است که در آن بسیاری از اختیارات به پارلمان و هیئت وزیران واگذار شده است. اما این اندیشمندان به فقدان برخی از شرایط در ایران نیز آگاه بوده، در توصیه‌های خود برای تغییر شیوه حکمرانی، آنها را لحاظ نموده‌اند. نقطه اوج این امر در پیشنهاد‌های کرمانشاهی قابل مشاهده است، جایی که وی با توجه به وضعیت ایران، ایجاد مجلس را مناسب ندانسته و توصیه دارد تا شورایی از افراد کارآمد، پادشاه را در اداره امور همراهی نمایند، به نحوی که احدی را اجازه دخالت در امور واگذار شده به اعضای شورا نباشد (کرمانشاهی، ۱۳۷۰: ۹۱۰-۹۱۹). علی‌رغم این فرایند، وخامت اوضاع داخلی مانع از اعمال تغییر در شیوه حکمرانی در عصر سلطنت فتحعلی‌شاه و محمد شاه شد.

ب) تکوین ایده تحدید قدرت: سلطنت مطلقه منظمه و سلطنت معتدله

وقوع جنگ‌های دوگانه با روسیه و تبعات آن و آشوب‌های داخلی متعدد در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه و محمدشاه، عمده‌ترین دلایلی بود که موجب سکون اندیشه سیاسی در ایران شد. آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه و اعمال تغییرات امیرکبیر که شمه‌ای از آن را معزی در رساله «نوادر الامیر» نگارش نموده، موجب امیدواری به بهبود شیوه حکمرانی در ایران شد؛ اما قتل امیر و صدارت آقاخان نوری به بازگشت معضلات سلطنت مطلقه به‌ویژه در شکل از دست رفتن سرزمین منتهی شد و اندیشمندان ایرانی را مجدداً متوجه ساحت سیاسی و حکمرانی ایران نمود. آغازگر اندیشه سیاسی در عصر ناصری، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله است که در هیئت مذاکره عهدنامه پاریس و جدایی هرات حضور داشته و همین عامل نیز موجب توجه ویژه وی به اختیارات و نحوه عملکرد

اولیای حکومتی شد. ملک‌خان، الگوی تحدید قدرت را سلطنت مطلقه منظمه عنوان نمود و به تشریح شرایط آن پرداخت.

الگوی دیگر تحدید قدرت در عصر ناصری، سلطنت معتدله است که فتحعلی آخوندزاده مطرح می‌کند. بنابراین عصر ناصری برابر با دوران تکوین ایده تحدید قدرت است که دو الگو برای آن معرفی شده که هر دوی آنها بدون اشاره به مفهوم پادشاه مسلوب‌الاختیار، توسعه‌دهنده آن بوده، تلاشی نوین در راستای تحدید قدرت را به انجام رساند. سلطنت مطلقه منظمه، توسعه مفهومی و تشریح جزئیاتی بیشتر درباره پیشنهادهای کرمانشاهی است و سلطنت معتدله، اشاره به نظام سیاسی تشریح‌شده شوشتری و اصفهانی است که در آن پارلمان دارای اختیارات اصلی خواهد بود.

۱- سلطنت مطلقه منظمه

میرزا ملک‌خان در «کتابچه غیبی» (۱۲۳۸)، پایه‌گذار توسعه مفهومی نوینی در فرایند تحدید قدرت ایران است. وی به توصیف نظام‌های سیاسی موجود پرداخته و با مقایسه دوگانه وضع و اجرای قانون، سلطنت را به دو نوع مطلق و معتدل تقسیم نموده که در سلطنت مطلق، هر دو اختیار در شخص واحد جمع است و در سلطنت معتدل، این دو اختیار تقسیم شده‌اند (میرزا ملک‌خان، ۱۲۳۸: ۵). ملک‌خان سپس با رد شرایط سلطنت معتدل در ایران، سلطنت مطلق را همخوان با شرایط ایران دانسته و آن را به دو گروه تقسیم نموده است: سلطنت مطلق نامنظم که یک فرد، قاهرانه به تصمیم‌گیری و اجرای تمام امور اقدام می‌نماید و دیگری سلطنت مطلق منظم که «اگرچه پادشاه هر دو اختیار حکومت را کاملاً به دست خود دارد، ولیکن به جهت نظم دولت و حفظ قدرت شخصی خود، این دو اختیار را هرگز مخلوط هم استعمال نمی‌کند» (همان: ۸). بر این اساس ملک‌خان در پی ایجاد سلطنت مطلقه منظمه در ایران است که اختیار قانون‌گذاری را پادشاه دارد، لیکن اجرای آن را دستگاه دیوان. ملک‌خان این موضوع را اینگونه تشریح نموده است:

«در فرنگ، سلاطین مطلقه مثل امپراطور روس و غیره به واسطه تفریق این دو عمل حکومت، چنان اسبابی فراهم آورده که اراده ایشان نقطه نقطه مجری می‌گردد و وزرای ایشان با کمال تسلط نمی‌توانند به قدر ذره‌ای از تکالیف خود تجاوز نمایند. به جهت حصول این مقصود، دو دستگاه

علی حده ترتیب داده‌اند: یکی دستگاه اجرا و دیگری دستگاه تنظیم. شرح اراده پادشاهی و تعیین شرایط اجرای آن برعهده دستگاه تنظیم است و اجرای اراده مزبور موافق شروط معین محول به دستگاه اجراست. به واسطه ترتیب این دو دستگاه ممکن نیست که یک دولت بی‌نظم بماند؛ زیرا که بی‌نظمی دولت، حاصل تجاوزات وزرا و عدم تحدید تکالیف عمل دیوان است و با وجود این دو دستگاه محال است که راه تجاوزات باقی و تکالیف اعمال دیوان غیر معین بماند» (میرزا ملک‌خان، ۱۲۳۸: ۱۱).

تلاش ملک‌خان همچنان که خود وی در آغاز «کتابچه غیبی» بر آن تأکید نموده، ایجاد دستگاه دیوانی در ایران است که ضمن گسترش به سراسر سرزمین، به اجرای فرامین و قوانین به صورت یکسان بپردازد. در نظر ملک‌خان، این موضوع صرفاً از طریق سلطنت مطلقه منظمه امکان‌پذیر است و به همین دلیل نیز وی به تشریح مجلس تنظیماتی پرداخته که انتصابی است، اما همان اختیارات مجالس قانون‌گذاری اروپایی را دارد (همان: ۱۵-۱۷). در انتهای رساله «کتابچه غیبی» نیز اولین قانون برای تفکیک حکمرانی از سلطنت و ایجاد دستگاه دیوانی را وی تألیف و پیشنهاد کرده (همان: ۱۸-۴۵) که در واقع قانونی است برای ایجاد سلطنت مطلقه منظمه، زیرا همچنان اختیار تام را پادشاه دارد.

شکل‌گیری میثاق سلطنت مطلقه منظمه در «کتابچه غیبی»، اساس تألیفات دیگر ملک‌خان می‌گردد. وی در رفیق و وزیر (۱۲۳۸)، مجلس تنظیمات (۱۲۳۹)، دفتر قانون (۱۲۳۹)، دستگاه دیوان (۱۲۴۰) و حرف غریب (۱۲۶۰) همچنان تلاش داشته تا اهمیت دستگاه دیوان و زیرمجموعه آن را نمایان سازد و لزوم انجام اصلاحات در نحوه حکمرانی و ایجاد سلطنت مطلقه منظمه را برای رفع معضلات ایران گوشزد نماید: «خلاصه احکام قطعی که از اصول این کتابچه جاری می‌شود این است بقای دولت ایران بعد از این ممکن نخواهد شد، مگر آبادی ایران افزوده شود و خلق ایران زیاد کار بکنند و زیاد امتعه به عمل بیاورند و زیاد دادوستد کنند. مابعد از برای اینکه خلق ایران بتوانند مثل سایر ملل کار بکنند، باید از مال و جان خود مطمئن باشند و باید سرمایه مادی و

معنوی داشته باشند. از برای استقرارات مالی و جانی باید در جمع ولایات ایران، دیوان‌خانه‌های منظم برقرار کرده و ما باید از برای ایران یک پولیس قوی ترتیب داد و باید از برای کل لشکر، اداره قوانین صریح وضع شود و باید در مرکز دولت، مجلس قوانین بر اساس معتبر برپا کرد» (میرزا ملک‌خان، ۱۲۶۰: ۴).

متفکران دیگری نیز به میثاق سلطنت مطلقه منظمه توجه کرده و از آن حمایت کرده‌اند:

رساله «پیشنهادی برای اصلاح امور مملکت» (۱۲۴۲)، جدا ساختن مجلس وضع قانون از مجلس اجرا را برای سامان بخشیدن به حکمرانی در ایران ضروری دانسته است (پیشنهادی برای اصلاح امور مملکت، ۱۳۷۰: ۱۳۸). پدر ملک‌خان، میرزایعقوب نیز بر نظرهای فرزند خود تأکید داشته و در رساله «طرح عریضه محرمانه» (۱۲۴۸)، فقدان قانون و رویه مشخص برای اجرای آن را اینگونه توصیف نموده: «مثل زمین کم‌آب که هرقدر در آن درخت بنشانی و از هر جا تخم آورده بر آن بنشانی، بی حاصل خواهد بود و زحمت و سلیقه و دل‌سوزی و هر نوع مراقبت باغبان به هدر خواهد رفت» (میرزا یعقوب‌خان، بی‌تا: ۴). دبیرالملک در رساله «در اصلاحات و ترقی دولت» (۱۲۴۹)، ایده ملک‌خان درباره سلطنت مطلقه منظمه را مورد تأیید دانسته و به تشریح پیشرفت روسیه با قانون‌گذاری پطر پرداخته و معتقد است که نداشتن قانون و سیاست منجر به از دست رفتن سرزمین‌های ایران شده است (دبیرالملک، ۱۳۵۶: ۴۲۱).

مستشارالدوله در رساله «یک کلمه» (۱۲۴۹)، بهبهانی در رساله «منهاج العلی» (۱۲۵۴) و سعیدخان انصاری (مؤتمن‌الملک) در رساله «قانون ناصری» (۱۲۶۱) و همچنین دو نویسنده نامعلوم در دو کتاب «منهاج تمدن و مفتاح ترقی» (۱۲۵۴) و رساله «کتابچه قانون یا سیر ناصری» (۱۲۵۶)، دیگر متفکرانی هستند که بر سلطنت مطلقه منظمه به‌عنوان راه درمان وضعیت حکمرانی ایران تأکید نموده و تعیین حدود اختیارات وزرا و تأسیس مجلس تنظیم قوانین و مجلس اجرا (وزرا) را لازم دانسته‌اند. به طور کلی نحله اصلی اندیشمندان عصر ناصری معتقد به تحدید قدرت از مسیر

سلطنت مطلقه منظمه بوده و در این مسیر علاوه بر توسعه مفهوم پادشاه مسلوب الاختیار در تشریح آن، ایجاد دستگاه دیوانی و سازوکار اجرایی برای قوانین را که در واقع ایجاد دولت در کنار سلطنت و در عین حال تحت نظارت سلطنت است، ترویج و ترغیب نموده‌اند.

۲- سلطنت معتدله

جلوه دیگر از فرایند تحدید قدرت در عصر ناصری، تلاش گروهی دیگر از اندیشمندان بر ایجاد سلطنت معتدله بود. هرچند ملکم خان سلطنت معتدله را ناهمخوان با شرایط ایران دانسته بود، آخوندزاده که سلطنت مطلقه را با مفهوم دیسپوت عامل وضعیت نابسامان ایران می‌دانست، معتقد به ایجاد سلطنت معتدله بود و میثاق این نحله از تحدید قدرت را وی ترویج نمود.

آخوندزاده در رساله مکتوبات (۱۲۴۱) با تشریح وضعیت نابسامان و به شدت آشفته ایران، آن را پیامد مستقیم فقدان قانون دانسته که سبب شکل‌گیری شیوه‌های متکثری در حکمرانی شده است:

«نه قانونی هست و نه نظامی و نه اختیار معینی. اگر کسی به کسی سیلی بزند، مظلوم نمی‌داند که به کدام اختیار رجوع نماید. یکی نزد مجتهد می‌دود، دیگری به خدمت شیخ‌الاسلام می‌رود، یکی به امام‌جمعه شکایت می‌برد و دیگری به داروغه رجوع می‌کند. یکی به بیگلربیگی عارض می‌شود، دیگری به در خانه شاهزاده تظلم می‌نماید. یک قانون معین و دست‌آویز هر کس موجود نیست تا بدانند وقتی که به کسی سیلی زده شد، به کدام اختیار رجوع باید کرد... خلاصه یک کتاب قانون در دست نیست و جزای هیچ گناه و اجر هیچ ثواب معین نمی‌باشد؛ به عقل هر کس هر چه می‌رسد، معمول می‌دارد» (آخوندزاده، ۱۳۹۵: ۴۵-۴۶).

آخوندزاده، درمان این وضعیت را تشکیل پارلمان و واگذاری اختیار قانون‌گذاری از سوی پادشاه دانسته است؛ پارلمانی که با مداخله ملت تشکیل شود و پادشاه نیز به تمکین از مصوبات آن بپردازد:

«پادشاه بایست مُلک را تنها از خود نداند و خود را وکیل ملت حساب نماید و با مداخله ملت، قوانین وضع کند و پارلمان مرتب سازد و به

اقتضای قوانین رفتار نماید و خودرأی به هیچ امری قادر نباشد؛ یعنی به مسلک پروقره بیفتد و به دایره سیولیزه قدم گذارد... اساس سلطنت از روی قوانین باید وضع بشود. در این صورت فقط سلطنت دوام پیدا می‌کند و ملت به عدم زوال ملک پادشاه، جان‌نثار می‌شود» (آخوندزاده، ۱۳۹۵: ۶۵-۶۸).

دو متفکر دیگر نیز در عصر ناصری معتقد به سلطنت معتدله بوده‌اند: سینکی و آقاخان کرمانی. سینکی در رساله مجدیة (۱۲۴۹) با اشاره به وضعیت آشفته حکمرانی، به ایده تشکیل مجلسی سراسری و مردمی تمایل یافته و آن را هیئت مجتمعه مردمان نامیده است:

«بعد از آنکه خلل و فرج امور یک دولت به اینجاها بکشد، تکلیف اهالی مملکت چه خواهد بود؟ جز آنکه برای کسب اصول آبادی و نظم مملکت یک مجلس بزرگی تشکیل دهند که اعضای رئیسه آن مجلس عقل باشد و غیرت، چنان‌که اهالی ایران در این حالت که کشتی حیات ایشان به گرداب فنا نزدیک شده، این مجلس صحیح‌الاعضا را تشکیل خواهند داد و ما هم وعده صریح می‌دهیم که نتیجه این مجلس، نظم و ترقی دولت است» (سینکی، ۱۳۲۱: ۳۷).

سینکی آنچه را در سایر ممالک حادث شده و موجب پیشرفت آنان گردیده، مجلس قانون‌گذاری به انتخاب مردم دانسته که توانسته بر بی‌نظمی فائق آید و این مسئله را که این موضوع در ایران قابل اجرا نیست، رد نموده:

«غیرت حق‌شناسان اقتضا کند که شاه را از شبهه برهانند و برهان نقلی روشن کنند که دولت از پذیرفتن قانون و اجرای آن عاجز نیست و مدلل دارند که انتظامات دول خارجه به یک بی‌نظمی بالاتر از آنچه بالفعل در ایران موجود است مسبوق بوده و به همت اشخاص باغیرت و هیئت مجتمعه مردمان بی‌غرض، همان بی‌نظمی به این انتظامات مبدل شده» (همان: ۶۸).

آقاخان کرمانی نیز در رساله سه مکتوب (۱۲۷۲)، آرزوی سلطنت معتدله برای ایران

داشته و شرایط آن را اینگونه تشریح نموده است:

«پادشاه، حق اجرای قانون را دارد و بس. دیگر ابدأ مداخله بلکه قدرت برخلاف قانون را ندارد و خود را نوکر بزرگ دولت و پدر مهربان رعیت می‌داند وواجبی درخور لوازم خود از خزینة دولت می‌گیرد و یک دینار اضافه از حق خویش با یک انحراف از تکلیف خود نمی‌تواند» (کرمانی، ۲۰۰۰: ۱۲۰).

دوره تکوین ایده تحدید قدرت در عصر ناصری که در واقع تلاش برای جداسازی حکمرانی از سلطنت است و ایجاد دستگاه دیوانی و دولت، از طریق استفاده از مفاهیم جدید و تشریح آنها، جلوه نوبنی در اندیشه سیاسی ایران ایجاد نمود. مفاهیمی که میرزا ملکم‌خان و آخوندزاده وارد ادبیات سیاسی ایران کرده‌اند، در واقع توسعه مفهوم پادشاه مسلوب‌الاختیار و مختصات تحدید قدرت بود. آنچه متفکران نسل اول درباره واگذاری اختیارات پادشاه در تصمیم‌گیری و اجرای دستورات به آن توجه کرده بودند، در این دوره تکوین یافته، به ایجاد دستگاه دیوان و سازوکار مشخص حکمرانی و جداسازی آن از فرایند تصمیم‌گیری منتهی گردید و پادشاه مسلوب‌الاختیار به سلطنت مطلقه منظمه و یا سلطنت معتدله توسعه یافت. به بیان دیگر برای سلطنت قاهره، دو جایگزین معرفی می‌گردد: از یکسو سلطنت مطلقه منظمه که در آن مجلس تنظیمات به عنوان مقدمه اصلی تغییر در شیوه حکمرانی و تحدید قدرت معرفی گردیده و از سوی دیگر سلطنت معتدله که تشکیل پارلمان با مختصات موجود در سایر ملل را راه‌حل تغییر شیوه حکمرانی و بهبود شرایط زیست ایرانیان معرفی نموده بود. علی‌رغم حدود چهل سال تلاش اندیشمندان ایرانی در عصر سلطنت ناصرالدین‌شاه، فرایند تحدید قدرت با وجود توسعه مفهومی به سرانجام نرسید و عصر ناصری با ترور پادشاه به پایان رسید، بدون تغییر در شیوه حکمرانی و همراه با وخیم‌تر شدن شرایط.

پ) تأثیرگذاری ایده تحدید قدرت: سلطنت مشروطه

دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه که در آغاز، امید بسیاری بدان برای ایجاد تغییرات وجود داشت و متفکران مختلفی همچون ملکم‌خان در رساله «اشتهارنامه اولیای آدمیت» (۱۲۷۵) و مراغه‌ای در جلد دوم از «سیاحت‌نامه ابراهیم بیک» (۱۲۷۶) و همچنین رساله

«خان خانان» (۱۲۷۵) از نویسنده نامعلوم، پادشاه جدید را ایجادکننده تغییرات در ساحت سیاسی و انجام اصلاحات در راستای بهبود شیوه حکمرانی معرفی نموده بودند. اما استمرار شیوه‌های حکمرانی پیشین سبب شد تا تنها دو سال پس از آغاز پادشاهی مظفرالدین‌شاه، انتقادهای علیه وضعیت ایران آغاز شود. دردی اصفهانی در رساله «خروش مرغ سحر» (۱۲۷۷) به انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پرداخت و به تشریح همسان حکمرانی در سلطنت قاهره قاجاری اشاره نمود. وضعیت نابسامان به‌ویژه در حوزه مالی که به تهی شدن خزانه منتهی شده بود (اعظام‌الوزاره، ۱۳۴۹: ۵۲؛ رشیدی، ۱۳۶۲: ۵۶؛ حلاج، ۱۳۴۰: ۱۱؛ بهرامی، ۱۳۶۳: ۶۳؛ نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۵۵۱)، مانع از آن گردید که امیدواری به سلطنت مظفرالدین‌شاه استمرار یابد و میثاق سلطنت مطلقه منظمه نیز که در واقع مماشات با سلطنت قاجاری برای تحدید قدرت بود، کنار نهاده شود. چند روایت از انتهای عصر مظفری، این موضوع را نمایان می‌سازد که شیوه حکمرانی سلطنت استبدادی قاجاریه به انتهای مسیر خود رسیده و ادامه آن امکان‌ناپذیر بود. گرانت داف^۱ در سال ۱۲۸۵، وضعیت ایران انتهای عصر مظفری را اینگونه روایت نموده است:

«برای اشخاصی که با شیوه اداری ایران آشنایی ندارند، دشوار است که بتوان خرابی کامل دستگاه دولت، فساد مقامات و مأمورین دولت، فقدان عدالت، مجازات ظالمانه و احمقانه‌ای که اعمال می‌شود و تنزل مقام و اعتبار دربار را برای آنها تشریح نمود. افرادی که اکنون امور این کشور فلک‌زده را ناشیانه اداره می‌کنند، لیاقتی برای اجرای اصلاحات ندارند و اگر برنامه‌های اصلاحی هم به دست آنها سپرده شود، به طوری فاسد و جاهل هستند که قادر به اجرای آن نخواهد بود، ولو اینکه به فرض محال بگوییم که مایل به اجرای آنها هم باشند، معتقدم امید چندانی به بهبود وضع نیست» (معاصر، ۱۳۴۸: ۵۸).

مخبرالسلطنه هدایت نیز در سال ۱۲۸۵، پریشان‌حالی ایران را اینگونه توصیف نموده

است:

«ایران را بی‌سامانی و پریشانی فراگرفته. روس از یکسو می‌کشد، انگلیس از یکسو؛ ترکیه هم سری توی سرها می‌آورد. دولت یکجا ۲۲.۵ میلیون روبل در صد پنج یکجا، یازده کرور تومان در صد چهار به دولت روس مقروض است، دویست و نود هزار لیره به انگلیس. گمرکات وثیقه قرض است. خزانه خالی است و دولت محتاج پول. بودجه منظمی در کار نیست. مردم آنکه در شمال است، خودش را به روس بسته، آنکه در جنوب است، به انگلیس. وزرا چشمشان به دهان سفارتین است. اکثر علمای طهران سر به سفارتی سپرده‌اند، به روس کمتر و به انگلیس بیشتر. مردم بازاری که خارج از این بازی هستند، خشم‌آلوده منتظر دست‌غیبند. شاه، مریض است و گرفتار به درد خود. رجال دولت همه در فکر منفعت. فکری که در هیچ کله‌ای نیست، فکر مملکت است. اگر چند نفری هم در این فکرند، مغلوب اکثریتند. مردم چیزهایی شنیده‌اند و آرزوهایی در دل دارند. بمبی در سینه‌ها مخفی است تا کی بترکد» (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۶۹-۱۷۰).

نتیجه‌نهایی نحوه حکمرانی در عصر مظفری را ناظم‌الملک اینگونه توصیف نموده است:

«مملکت قفقازیه که معادل دو ثلث ایران است، به اندک سهوی از دست ما رفته. جزایر بحرین از دست ما رفته. دریای خزر و عشق‌آباد، مرو، سرخس، سمرقند و بخارا. حتی آب‌های آتک به اندک بی‌اعتنایی از دست ما رفته، هرات و قندهار رفته، بلوچستان رفته؛ از کوه آغری ماکو گرفته تا مصب نهر شط‌العرب، قریب دویست فرسخ خط ممتدی رفته. هنوز در حدود سیستان و خراسان نمی‌دانیم تا کجاها رفته بدانیم. ماهی دریا رفته. جنگل مازندران می‌توان گفت رفته. جنگل خراسان وقف همسایه‌ها و نذر آنها شده. بنادر فارس به طیران افتاده، معلوم نیست عاقبتش چه خواهد شد. معادل هزاران کرور کنوز هشت‌هزارساله تخت جمشید و شهر شوش مفت از دست رفته. دفاين خرابه‌های مغان هم در کار است. اختیار

معادن را از ما گرفته‌اند که مبادا وقتی دست به معادن بزنیم و رفع احتیاج کنیم. اختیار راه‌های جنوبی و شمالی ما را گرفته‌اند که مبادا راهی بسازیم و جانی گرفته، راه بیفتیم. بانک شاهنشاهی، چاشنی شهید ایران به مذاق اروپاییان رساند. بانک‌های استقراضی در هر دهکده مفتوح شد. دولت، مقروض فرنگی‌ها شد. آحاد ملت، مقروض بانک‌ها شد. هر دولت و ملتی این‌طور مقروض می‌شد، شب و روز سعی می‌کرد و دخل و عایدات خود را افزوده، زودتر استخلاص حاصل کند و دیگر محتاج قرض نشود. ما هنوز درصدد استقراضیم. باری این بدن نیم بسمل ما را از هر طرف مکیدن گرفته‌اند که زودتر تسلیم کنیم» (ناظم‌الملک، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

انباشت چنین شرایطی موجب شد تا میثاق نوینی در فرایند تحدید قدرت ایران شکل بگیرد: گذار به سلطنت مشروطه. اندیشمندان عصر مظفری تحت تأثیر شرایط به شدت نامساعد ایران، ادامه سلطنت قاجاری را موجب اضمحلال ایران دانسته، به همین دلیل به ایده سلطنت مشروطه سوق نمودند. سه شخصیت در این فرایند، نقش مهمی را بر عهده داشتند: میرزا ملکم‌خان، سید حسن تقی‌زاده و طالبوف. ملکم‌خان که به روایت فریدالملک پس از خروج از ایران به سلطنت معتدله متمایل شده بود (فریدالملک، ۱۳۵۴: ۶۶)، در رساله «ندای عدالت» (۱۲۸۴) به نفی اقدامات گذشته پرداخته و خواهان اقدام برای رفع خبط‌های گذشته شده (ملکم‌خان، ۱۲۸۴: ۱۸-۱۹) و حاکمیت قانون و اجرای شیوه نوینی در حکمرانی را راه درمان شرایط ایران اعلام نموده است. حکمرانی مورد نظر ملکم‌خان دارای مجلس قانون‌گذاری است که در رأس امور قرار دارد:

«تشویق مردم به فعالیت و اطمینان آنها از امنیت جان و مال خود و آزادی کلام و قلم، این امنیت را مجلسی خواهد توانست ایجاد نمود که قوانین شرع را بر اساس مقتضیات تمدن جدید مبرهن نماید و در این راه از علمای اسلام نیز بهره ببرند. اما این قوانین مجزا از اجرای آن هستند و باید شرایط اجرای قوانین که هیئت دولت است را نیز ایجاد نمود و اختیار اجرا در دست وزرا باشد که در مقابل مجلس قوانین پاسخگو هستند» (همان: ۷-۹).

تقی‌زاده نیز در رساله «احوال کنونی ایران» (۱۲۸۴) با مفهوم نظم شخصیه و حکومت آن بر ایران، خواستار گذار از شرایط ناگوار موجود در ایران شده، معتقد بود که باید از نظم شخصیه به نظم دائم عبور نمود (تقی‌زاده، ۱۲۸۴: ۴۴). وی معتقد است که برای نظم دائم بایست قانون اساسی نهاد و علوم جدید را جاری ساخت (همان: ۵۶).

طالبوف در «مسائل الحیات» (۱۲۸۵) معتقد به سلطنت مشروطه شده است. وی با تمجید از شرایط ممالکی که دارای قانون اساسی و مجلس هستند، این وضعیت را مربوط به تنظیمات دولت دانسته که صرفاً در سلطنت مشروطه مهیا می‌گردد (طالبوف، ۱۳۵۶: ۱۸۹). طالبوف در رساله «سیاست طالبی» نیز بر اهمیت تأسیس قانون اساسی و ایجاد مجلس برای تنظیم شیوه حکمرانی تأکید نموده و فقدان قانون اساسی را برابر با فقدان ملت دانسته است (همان، ۱۲۸۵: ۴۰).

دیگر متفکران انتهای عصر مظفری که درباره موضوع تحدید قدرت ایده‌پردازی نموده‌اند، عبارتند از: ناظم‌الملک در رساله «صدمات و خرابی‌های ایران» (۱۲۸۱)، دردی اصفهانی در رساله «حب الوطن من الایمان» (۱۲۸۴)، زنجانی در رساله «بستان الحق» (بی‌تا) و ملک‌المورخین در رساله «قانون مظفری» (بی‌تا). این متفکران نیز در آثار خود معتقد به سلطنت مشروطه بوده و خواهان تشکیل مجلسی برای تأسیس قانون اساسی و منتظم نموده شرایط ایران شده‌اند.

وخامت اوضاع ایران در حکمرانی سلطنت قاجاری، اندیشمندان ایرانی را به گذار از آن متوجه نمود، زیرا ادامه حکومت به شیوه موجود را ناممکن می‌دانستند. به همین دلیل نیز شیوه نوینی در حکمرانی را که نام سلطنت مشروطه بدان نهاده بودند، ترویج نمودند. سلطنت مشروطه که طی گذار از مفهوم پادشاه مسلوب‌الاختیار، سلطنت مطلقه منظمه و سلطنت معتدله نضج گرفته بود، علاوه بر تکمیل در مفهوم، در شیوه ترویج نیز دچار دگرگونی شده، به طوری که برای ترغیب نیروهای مذهبی بدان، موضوع توجه به قوانین اسلام و عدم الگوبرداری صرف از سایر ممالک، سلطنت مشروطه نامیده شده بود. این موضوع، تأثیر مهمی در سال ۱۲۸۵ بر جای نهاد و آنچه ملکم‌خان آن را همراهی علما در ایجاد تغییرات و انجام اصلاحات معرفی نموده بود، موجب تمایل گروهی از علما و

مجتهدان به جرگه تغییرخواهان گردید و در پاییز ۱۲۸۵، سلطنت مشروطه که جلوه نهایی فرایند تحدید قدرت در ایران بود، به وقوع پیوست.

نتیجه‌گیری

آنچه اسکینر آن را به عنوان فرایند رشد و نمو یک اندیشه معرفی نموده، در وقوع سلطنت مشروطه ایران قابل ردیابی است. سلطنت مشروطه، همان پادشاه مسلوب‌الاختیار است؛ با این تفاوت که در سیری یک‌صد ساله، با شرایط موجود در زیست ایرانیان و آگاهی روزافزون اندیشمندان ایرانی از تغییرات ایجاد شده در سایر ممالک، توسعه یافته و قانون اساسی را در هسته مرکزی ایده تحدید قدرت قرار داده است. روند طی شده در این باره به شرح ذیل است.

جدول ۳- سیر مفهومی تحدید قدرت

دوره	ویژگی اصلی	مفهوم اساسی
تشکیل ایده تحدید قدرت	تلاش برای تداوم بخشیدن به حکومت و جلوگیری از ادامه بحران‌ها و آشوب‌ها	آغاز تلاش در جهت تحدید قدرت و سازمان‌دهی به نحوه حکمرانی از طریق ویژگی‌های نظام سیاسی پادشاه مسلوب‌الاختیار
تکوین ایده تحدید قدرت	تلاش برای ایجاد سازوکار دیوانی و اداری برای تغییر نحوه حکمرانی	ایجاد سلطنت مطلقه منظمه برای همراهی سلطنت و حکمرانی ایجاد سلطنت معتدله برای جدایی سلطنت از حکمرانی
تأثیر ایده تحدید قدرت	تلاش برای ایجاد سازوکار دیوانی و اداری برای تغییر نحوه حکمرانی	توسعه مفهومی سلطنت مطلقه منظمه و سلطنت معتدله به سلطنت مشروطه و تأکید بر تأسیس قانون اساسی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

اندیشمندان نسل اول ایران در دوره تشکیل ایده تحدید قدرت، به توصیف همان سازوکاری پرداخته بودند که متفکران نسل دوم در دوره تکوین، آن را کنستیتوسیون نام نهادند و سه پیشنهاد برای تأسیس آن نگارش نمودند (کتابچه غیبی، یک کلمه و

سیر ناصری؛ همان سازوکار و توصیفی که از نحوه واگذاری اختیارات پادشاه به وزرا و پارلمان در نسل اول صورت گرفته بود، با تلاش برخی از متفکران نسل دوم و سوم با عنوان تشکیل مجلس برای تأسیس قانون اساسی و تنظیم امور حکومتی به سلطنت مشروطه منجر گردید. به بیان دیگر، سلطنت مشروطه، نتیجه توسعه مفهومی پادشاه مسلوب الاختیار است که شوشتری ابداع کرده، میرزاملکم خان، آخوندزاده، مستشارالدوله، طالبوف، تقی زاده و... آن را با مفاهیم جدید تشریح نمودند و در نهایت با همان ویژگی‌ها به عنوان چهره نهایی تحدید قدرت در ایران و با عنوان سلطنت مشروطه به وقوع پیوست. بنابراین سلطنت مشروطه دارای تمامی ویژگی‌های مفاهیم قبل خود بوده، در عین حال از طریق تطابق با شرایط موجود در زمانه خود، شیوه حکمرانی نوینی در مقابل سلطنت مطلقه ارائه نمود.

با توجه به تقسیم دوگانه اسکینر از قصد در نگارش متون و شناسایی میثاق‌های زبانی، تمامی اقدامات اندیشمندان ایران در عصر قاجاریه، تلاشی برای مشروعیت‌زایی برای نظام سیاسی محسوب می‌گردد. به بیان دیگر، اندیشه تحدید قدرت همچنان که میرزاملکم خان بدان اعتقاد داشت، تلاشی برای افزایش اعتبار سلطنت بوده، هدف نهایی آن نیز جلوگیری از وقایع قرن ۱۲ شمسی در تغییر مداوم حکومت‌هاست. تحدید قدرت، فرایندی بوده در جهت استمراربخشی به حکومت از طریق بهبود عملکرد و تغییر در شیوه حکمرانی.

پی‌نوشت

۱. وضعیت‌های مشروعیت‌زایی: حمایت، تأیید، ایجاب، دفاع کردن، تمجید، سازگاری، تصدیق، پذیرش، مجاز شمردن، صحت، تأکید، اصلاح، وسعت بخشیدن، گسترش دادن و توصیه.
۲. وضعیت‌های مشروعیت‌زدایی: مخالفت، طرد، نقد، هجو، استهزا، انکار، بی‌اعتبار کردن، نفی، براندازی، سلب مجموعه‌ای از باورها، تقبیح، حمله کردن، ابطال، نقض و تجدیدنظر.
۳. آنچه روشن است، بگیر و هرچه تیره است، رها کن.

منابع

- آتشگران، مسعود (۱۳۹۷) جدال‌های مفهومی درباره عدالت‌خواهی در دوران قاجار و مشروطه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آخوندزاده، فتحعلی (۱۳۹۵) مکتوبات کمال‌الدوله، به اهتمام علی‌اصغر حقدار، بی‌جا، باشگاه ادبیات.
- آوری، پیتر (۱۳۷۳) تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی، تهران، رفیعی.
- اسکینر، کوئنتین (۱۳۹۳) بینش‌های علوم سیاست، جلد اول: در باب سیاست، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، فرهنگ جاوید.
- (۱۳۹۷) بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن، جلد اول: رنسانس، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ دوم، تهران، آگاه.
- اصفهان‌ی، ابوطالب‌خان (۱۳۶۳) مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب‌خان، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، سازمان انتشارات.
- اعظام‌الوزاره، حسن (۱۳۴۹) خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صدساله، ۲ جلد، بی‌جا، ابوریحان.
- اکبری یاسوج، سید حامد و علی‌اکبر گرجی ازندریانی (۱۳۹۷) «خواست‌تدیل قدرت در کردار سیاسی نخبگان پیشامشروطه»، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۵۱، صص ۷۸-۵۹.
- انصاری، سعیدخان (۱۳۹۸) «قانون ناصری»، در: سیاست‌نامه‌های قاجاری، سی‌ویک اندرزنامه سیاسی عصر قاجار، جلد ۳، گردآوری غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، نگارستان اندیشه.
- بهبهانی، ابوطالب (۱۳۹۸) «منهاج‌العلی»، در: سیاست‌نامه‌های قاجاری، سی‌ویک اندرزنامه سیاسی عصر قاجار، جلد ۳، گردآوری غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، نگارستان اندیشه.
- بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳) خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه تا اول کودتا، تهران، علمی.
- بهروزی‌لک، غلامرضا (۱۳۸۳) «روش‌شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی»، علوم سیاسی، شماره ۲۸، صص ۵۷-۸۴.
- پیشنهادی برای اصلاح امور مملکت (۱۳۷۰) منتشره در قانون قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، طایه.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۲۸۴) تحقیق احوال کنونی ایران، قابل دسترسی در: <https://bzn.ir/g70476>.
- جکسن، ابراهام و النتاین ویلیامز (۱۳۵۲) سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی.
- حقدار، علی‌اصغر (۱۳۹۵) امر سیاسی در رسایل عصر مشروطیت: بررسی مفهومی و محتوایی رسالات، بی‌جا.
- حلاج، حسن (۱۳۴۰) تاریخ تحولات سیاسی ایران در قرون معاصر، به کوشش علی جعفری، تهران، بی‌نا.

خان‌خانان و یا رساله در سیاست (۱۳۹۸) منتشره در نخستین کوشش‌های قانون‌گذاری در ایران، به اهتمام سیدعلی آل‌داوود، تهران، دکتر محمود افشار.

خورشیدی، محمد و سید صادق حقیقت (۱۳۹۷) «سعدی و سنت‌های فکری سازنده عرف سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۳۷-۷۲.

دبیرالملک (۱۳۵۶) رساله در اصلاحات و ترقی دولت، در: افکار اجتماعی سیاسی و انتقادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، به کوشش آدمیت و ناطق، تهران، آگاه.

دردی اصفهانی، اسماعیل (۱۲۷۷) خروش مرغ سحر، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/h40325> ۱۱۷۸۸۸۸.ir/z۲

دوران، ای آر (۱۳۴۶) سفرنامه دوران: همسر وزیرمختار انگلیس به ایران در سال ۱۸۹۹، ترجمه علی محمد ساکی، خرم‌آباد، کتابفروشی محمدی.

راتیسلاو، آلبرت چارلز (۱۳۸۶) کنسول در شرق: خاطرات جنرال کنسول انگلستان از زندگی سیاسی خود و انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه رجبعلی کاوانی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

راسخ، محمد و فاطمه بخشی‌زاده (۱۳۹۲) «پیش‌زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک‌الرقابی تا تنظیمات»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۳، صص ۳۵-۵۸.

رساله کتابچه قانون یا سیر ناصری (۱۳۸۳) به اهتمام سید علی آل‌داوود، کانون وکلا، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵، بهار و تابستان، صص ۱۲۲-۸۹.

رشدیه، حسن (۱۳۶۲) سوانح عمر، به کوشش شمس‌الدین رشدیه، تهران، تاریخ ایران.

زنجانی، ابراهیم (بی‌تا) بستان الحق، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/n86214>.

سالور، سیما (۱۳۹۳) «نقش اندیشه‌گران ایرانی هند در سیر اندیشه تجدد در ایران روزگار قاجار (بر اساس تحفه‌العالم عبداللطیف شوشتری، تحفه‌الخاقانیه سلطان‌الواعظین، مرآت الاحوال جهان‌نما

کرمانشاهی)»، نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۶۷-۱۸۰.

سینکی، میرزامحمد (۱۳۲۱) مجدیه یا کشف الغرائب، تصحیح سعید نفیسی، تهران، چاپخانه بانک ملی ایران.

شریف‌شاهی، محمد (۱۳۹۹) بر بن مشروطیت، تهران، نگاه معاصر.

شوشتری، عبداللطیف (۱۳۶۳) تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه، به کوشش صمد موحد، تهران، طهوری.

صالحی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۹) «بازتاب منازعه مفهومی فقهای عصر مشروطه درباره قانون بر فرآیند توسعه سیاسی ایران معاصر»، سیاست متعالیه، دوره هشتم، شماره ۲۸، صص ۱۸۱-۲۰۲.

عبدالله پورچناری، محمد (۱۳۹۱) هرمنوتیک قصدگرا و اندیشه سیاسی: بررسی روش‌شناسی اسکینر، پایان‌نامه دکتری، استاد راهنما دکتر عبدالرحمن عالم، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، گروه علوم سیاسی.

طالبوف، عبدالرحیم (۱۲۸۵) سیاست طالبی، تهران، مطبعه شمس.

----- (۱۳۵۶) مسائل الحیات یا جلد سوم کتاب احمد، به کوشش باقر مؤمنی، تهران، شبگیر.

فرجی، مهدی و رضا نصیری حامد (۱۴۰۰) «سفرنامه‌های فارسی هند؛ نخستین روایتگران نظام مشروطه انگلیس (مطالعه موردی: شگرف‌نامه ولایت، تحفه‌العالم و مسیر طالبی)»، مطالعات شبه‌قاره، دوره سیزدهم، شماره ۴۱، صص ۲۱۳-۲۳۴.

فریدالملک، میرزا محمدعلی (۱۳۵۴) کتاب خاطرات فرید: خاطرات میرزا محمدعلی خان فریدالملک همدانی از ۱۲۹۱ تا ۱۳۳۴ هجری قمری، به کوشش مسعود فرید، تهران، زوار. فلور، ویلم ام (۱۳۸۶) سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر.

فوکوشیما، یاسوماسا (۱۳۹۲) سفرنامه ایران و قفقاز و ترکستان یاسوماسا فوکوشیما امیرلشکر ژاپنی، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینجی ئه‌اورا، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی. قدیمی، عباس و زهرا کاظمی (۱۳۹۸) «مشروطه‌خواهی یا مشروطه‌بازی»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره نهم، شماره ۱، صص ۲۵۳-۲۶۹.

قربانزاده‌سوار، قربانعلی و سجاد امیدپور (۱۳۹۷) «مطالبه اصلی نسل اول روشن‌فکران ایران: تحدید قدرت سلطنت»، دولت پژوهی، شماره ۱۳، صص ۱۷۳-۱۹۲.

کاساکوفسکی، ولادیمیر آندری یویچ (۱۳۴۴) خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه عباسعلی جلی، تهران، کتاب سیمرغ.

کجباف، علی‌اکبر و دیگران (۱۳۹۷) «تبیین و تحلیل وضعیت جمعیت و تأثیر کشاورزی بر آن در دوره صفویه»، پژوهش‌های تاریخی، دوره دهم، شماره ۳، صص ۴۱-۵۹.

کچوئیان، حسین و محمدسجاد صفار هرنندی (۱۳۹۶) «بررسی روش تاریخ‌نگاری ایده‌های آرتور لاجوی در متن منازعات روشن‌شناختی تاریخ اندیشه»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۹۳، صص ۷۹-۱۰۶.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰) ایران و قضیه ایران، ۲ جلد، غلامرضا وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی.

کرمانی، میرزاآقاخان (۲۰۰۰) سه مکتوب، به کوشش بهرام چوبینه، آلمان، نیما.

کرمانشاهی بهبهانی، احمد (۱۳۷۰) مرآت‌الاحوال جهان‌نما، به کوشش علی دوانی، تهران، امیرکبیر. کلاتری، صمد و دیگران (۱۳۹۴) «جایگاه غیریت‌سازی در ایجاد پادگفتمان جنبش مشروطه و تأثیر آن بر توسعه سیاسی ایران»، مطالعات سیاسی، شماره ۲۸، صص ۱-۲۲.

لندر، آرنولد هنری سویچ (۱۳۸۸) در سرزمین آرزوها: اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و

بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت، ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی، تهران، اطلاعات.
لومینیتسکی، اس (۱۳۹۲) ایران و ایرانیان: ایران در روزگار مظفردین‌شاه از نگاه سفرنامه‌نویس روس،
ترجمه محمد نایب‌پور، تهران، نگاه‌گستران فردا.

مالکوم، نایپر (۱۳۹۳) سفرنامه یزد: برداشت‌های نایپر مالکوم سیاح انگلیسی از شهر یزد در اواخر دوره
قاجاریه، ترجمه علی‌محمد طرفداری، یزد، مهر پادین.

مجاهدی، محمدمهدی (۱۴۰۰) «شش مغالطه روش‌شناختی در مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی»،
رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره سیزدهم، شماره ۱، صص ۴۱-۶۸.

مراغه‌ای، زین‌العابدین (۱۳۵۷) سیاحت‌نامه ابراهیم بیک، جلد دوم، به کوشش باقر مؤمنی، چاپ
چهارم، تهران، بهار.

مستشارالدوله، میرزایوسف (۱۲۴۹) یک کلمه، به کوشش باقر مؤمنی، بی‌جا.

معاصر، حسن (۱۳۴۸) تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، تهران، ابن‌سینا.

ملک‌المورخین، عبدالحسین (بی‌تا) قانون مظفری، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/r04612>

منه‌اج تمدن و مفتاح ترقی (۱۳۷۳) منتشره در مجموعه میراث اسلامی ایران، جلد ۲، به کوشش
رسول جعفریان، تهران، کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.

میراحمدی، منصور و محمدرضا مرادی طادی (۱۳۹۵) «روش‌شناسی فهم اندیشه سیاسی: اشتراوس و
اسکینر (مقایسه‌ای انتقادی)»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۶، صص ۱۷۹-۲۰۳.

میرزا ملک‌خان (۱۲۳۸) کتابچه غیبی، دسترسی در: <https://b2n.ir/t.68090>

----- (۱۲۳۸) رفیق و وزیر، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/a97321>

----- (۱۲۳۹) مجلس تنظیمات، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/w83956>

----- (۱۲۳۹) دفتر قانون، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/h36465>

----- (۱۲۴۰) دستگاه دیوان، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/q30644>

----- (۱۲۶۰) حرف غریب، قابل دسترسی در:

<https://b2n.ir/r71830><https://b2n.ir/w20201>

----- (۱۲۷۵) اشتهارنامه اولیای آدمیت، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/x60706>

----- (۱۲۸۴) ندای عدالت، قابل دسترسی در: <https://b2n.ir/f.02670>

میرزا یعقوب‌خان (بی‌تا) طرح عریضه محرمانه (رساله سیاسی)، بی‌جا.

ناظم‌الملک، جهانگیر (۱۳۸۷) «صدمات و خرابی‌های ایران»، به کوشش منیژه صدری و رحمی
نیکبخت، پیام بهارستان، دوره دوم، سال اول، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۹۹-۲۱۵.

نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان (۱۳۶۲) خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، به
کوشش معصومه مافی و دیگران، چاپ دوم، تهران، تاریخ ایران.

نوری و کیل آبادی، یحیی (۱۳۹۶) «بررسی اندیشه آیت‌الله میرزای نائینی در خصوص قانون‌گذاری و

تأثیر آن بر تحدید قدرت سیاسی»، کانون وکلای دادگستری، شماره ۳ و ۴، صص ۳۵۹-۳۶۸.
هاردینگ، آرتور کالا (۱۳۶۳) خاطرات سیاسی سرآرتور هاردینگ وزیرمختار بریتانیا در ایران در عصر سلطنت مظفرالدین شاه قاجار، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
هدایت، مهدی‌قلی مخبرالسلطنه (۱۳۶۳) گزارش ایران: قاجاریه و مشروطیت، به کوشش محمدعلی صوتی، تهران، نقره.
یه‌ناگا، تویوکیچی (۱۳۹۲) سفرنامه یه‌ناگا تویوکیچی به ایران و آناتولی، ترجمه هاشم رجب‌زاده، تهران، طهوری.
بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵) سفرنامه خراسان و سیستان، ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو، تهران، یزدان.

